

جنگ بزرگ کار هر باند تبهکاری نیست؛ فقط حکومت‌های تمدنی می‌توانند این عملیات همه‌جانبه را سازماندهی کنند نه کازینوهای سفته‌بازان نئولیبرال.

محور مقاومت درک کرده که مذاکره با سلطه‌گیرمکن است، زیرا باند تبهکار سلطه خود مانع مذاکره می‌شود. نمود آن مسدودسازی سریالی قطعنامه‌های آتش‌بس توسط برج عاج‌نشینان مقرر سازمان ملل در نیویورک است.

باند سلطه قرن‌هاست شبکه‌ای از نخبان خدمتگزار خود را در سراسر جهان بویژه در کشورهای جنوب جهانی توسعه داده که به محرک «تهدید یا سازش»، واکنشی از پیش تعیین شده نشان می‌دهند.

به عنوان مثال وقتی رئیس‌جمهور برزیل، سخنان تاریخی‌اش درباره جنایتکار بودن اسرائیلی‌ها را به زبان آورد، جریان اصلی رسانه‌های برزیل واکنشی شبیه رسانه‌های عبری داشتند، بنابراین تنها راه برای عقب‌نشاندن هژمون نه‌تعاملی بلکه اقدامی فاعلی است؛ یک عملیات فراگیر نظامی - فنی.

حتما بسیاری می‌گویند نمی‌توان هیچ ملت دیگری را در محور مقاومت همسنگ یک ابرقدرت هسته‌ای - موشکی - نظامی مثل روسیه فرض کرد که ۷.۵ درصد بودجه دولتی‌اش را به تولیدات نظامی اختصاص می‌دهد و چنین نتیجه‌گیری کند که ورود به جنگ تمام‌عیار با نظام سلطه نمی‌تواند برای هیچ کشور دیگری غیر روسیه میسر باشد.

با این وجود باید این واقعیت را در نظر گرفت که تا وقتی سران سلطه به خود نیابند، روسیه در وضعیت جنگ دائمی با غرب باقی خواهد ماند. این یک امتیاز برای محور مقاومت در خاورمیانه است که فعلا فرصت دارد روزبه‌روز در حال تماشا و یادگیری از جنگ بخش شمالی محور مقاومت با سلطه باشد.

ضمنا برای جنبش‌های مقاومت در سراسر جنوب جهانی - از جمله در غرب آفریقا علیه استعمار نوین فرانسه - هیچ‌گاه خطوط گسل ژئوپلیتیک در مقابل سلطه این قدر واضح نبوده است. پس برخورد نهایی قطعی است. تمامیت غرب - که فراتر از غرب جغرافیایی در سراسر دنیا ریشه دوانده - با اسلام، با روسیه و دیر یا زود با چین مساله دارد. پس سلطه غربی با هر موجودیتی که سلطه‌اش را نپذیرد مشکل دارد. این اجزا که مورد خصومت تمامیت غرب قرار گرفته‌اند حالا یک کل را می‌سازند، البته یک کل نامتقارن. در این جبهه، رزمندگان پابره‌نه یمنی واجد همان ارزش تاریخی‌ای هستند که روسیه و چین هسته‌ای. این شمایی از یک جنگ جهانی را میان غرب و هر موجودیت غیروابسته به آن ترسیم می‌کند. حال به جرأت می‌توانیم ادعا کنیم در دل جنگ سوم جهانی هستیم که جنگی هم وجودی و هم تمدنی است. مثل این است که در تقاطعی ایستاده باشیم که تنها ۲ راه پیش پای ما می‌گذارد: یا تشدید تنش به سمت یک «اقدام نظامی پویا»ی کاملا آشکار، یا افزایش جنگ‌های ترکیبی در چند عرض جغرافیایی. در چنین جنگی، محور نامتقارن مقاومت، خونسرد و آرام نیروهایش را گرد می‌آورد تا از خندق‌ها، گذرگاه‌ها و مسیرهای زیرزمینی مختلف، رفته‌رفته نظم بین‌المللی تک‌قطبی مبتنی بر قوانین تحت رهبری آمریکا را تضعیف و واژگون کند.

♦♦♦
در جنگ تبهکاران غربی علیه کشورهای تمدنی، محور نامتقارن مقاومت، خونسرد و آرام نیروهایش را گرد می‌آورد تا از خندق‌ها، گذرگاه‌ها و مسیرهای زیرزمینی مختلف، رفته‌رفته نظم بین‌المللی تک‌قطبی مبتنی بر قوانین تحت رهبری آمریکا را تضعیف و واژگون کند

♦♦♦
لولاداسیلوا رئیس‌جمهور برزیل می‌داند اگر بخواهد نامش به عنوان یکی از برچمداران جبهه جنوب باقی بماند باید یمنی‌ها را الگو قرار دهد. سکوت نکردن در مقابل عاملان نسل‌کشی غزه و حامیان‌شان، مهم‌ترین شاخصه امروز این جبهه است

در جهت بازپس‌گیری نهایی بلندی‌های جولان خواهد بود که هم‌اکنون در اشغال رژیم صهیونیستی است. با این حال این واقعیت به قوت خود باقی می‌ماند که حتی در صورت اتحاد همه‌ساحات (میدان‌های) فلسطینی نیز توانایی نظامی لازم برای غلبه بر ماشین نظامی اسرائیل و آزادسازی سرزمین‌های اشغالی پدید نخواهد آمد. قطعاً برای این منظور اجماع کل محور مقاومت لازم است تا با یک عملیات نظامی ویژه در غرب آسیا به تازگی تلخ فلسطین پایان دهد. در این محور مقاومت نامتقارن، فقط دولت‌ها حضور ندارند بلکه سازمان‌هایی با مسؤولیت‌های ملی و تمدنی به مراتب بزرگ‌تر از دولت‌ها نیز حاضرند. در این صورت باید پرسید: کدام نیروها از اکثریت قاطع جنوب جهانی برای پیوستن به محور مقاومت نامتقارن در جبهه فلسطین دوشادوش انصارالله یمن، حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق یا پیش می‌گذارند؟ مثلاً در بخش مسیحی این محور، چه کسانی غیر از روس‌هایی که فلسطین را ارض مقدس می‌دانند حاضرند به فلسطین بیایند و برای آزادی آن فدا شوند؟

■ شمای جنگ سوم جهانی: غرب تبهکار علیه تمدن

تونی بلینکن، وزیر خارجه نومحافظه‌کار آمریکا وقتی می‌خواهد «نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین» مطلوب خود را تعریف کند، این چنین بند را آب می‌دهد: «اگر سر میز شام نیستید پس لابد در منو هستید». با تعمیم منطق «اگر نخوری، خورده می‌شوی» که برگرفته از قانون طبیعت است، می‌توان وضعیت جبهه‌های مختلف محور مقاومت در گوشه و کنار دنیا را تحلیل کرد. مثلاً در دونباس، در حالی که روسیه با ایالات متحده و ناتو بر سر میز مذاکره است، اوکراین در فهرست غذا قرار دارد. با پیروی از این منطق هژمونیک، وضعیت دریای سرخ چگونه است؟ یمنی‌ها که از فلسطین در برابر نسل‌کشی مشترک آمریکا، انگلیس و اسرائیل دفاع می‌کنند، به وضوح در مقابل خصم خود بر سر میز نشستند، در حالی که قطعاً شیخ‌نشین‌ها و پادشاهی‌های دست‌نشانده غرب در منطقه که بی‌سر و صدا از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کنند، در فهرست غذا قرار دارند.

مشکل سلطه این است که باند صلیبیون نومحافظه‌کار مدت‌هاست جایی بالاتر از دولت‌های غربی جا خوش کرده‌اند و قدرت بازی منسجم با کارت‌های روی میز را از دست داده‌اند. دلیل اصلی سقوط این باند این است که قابلیت خود را به عنوان ستاد مشترک عملیاتی سلطه از دست داده‌اند. آنها می‌خواهند مثل یک باند تبهکار غیرمسئولانه رفتار کنند نه همانند یک مجموعه حکومتی با مسؤولیت مشخص. در حالی که قطب بریکس بویژه به ابتکار روسیه و چین، طی ۲ سال اخیر مدام جلسات جدی بین‌المللی در سطح رهبران و مسؤولان ارشد دولت‌ها برای مشارکت در نظم جدید برگزار کرده و به برنامه‌ریزی تمام جزئیات یک «عملیات نظامی فراگیر» برای برانداختن سلطه غرب مشغول است، صلیبیون تبهکار و شکنج‌کن در حلقه‌بسته‌شان به جای همه متحدان یا به بیان بهتر بردگان خود، تصمیمات از پیش تعیین شده می‌گیرند.

اجماع سیاسی آنچنان قدرتمندی پشت سر ندارد. با این حال او چنان بی‌پرده جنایت‌های اسرائیل علیه مردم فلسطین در نوار غزه را زیر سوال برد که دیپلمات‌های کنگره ملی آفریقا به گرد پایش نرسیدند. این همان رهبر ضد صهیونیستی است که بریکس برای همصدایی با جنوب جهانی به آن نیاز دارد.

ماه گذشته لولا در سخنرانی معروفش در آدیس‌آبابا با همان روحیه ضدسلطه‌گری‌ای که از او انتظار می‌رفت، گفت: «آنچه اسرائیل در غزه انجام می‌دهد جنگ نیست بلکه نسل‌کشی است، چراکه زنان و کودکان را می‌کشد».

سپس رای مخالف دولت بایدن برای ممانعت از تصویب قطعنامه آتش‌بس الزام‌آور برای رژیم صهیونیستی در شورای امنیت سازمان ملل را نشان همدستی واشنگتن با قصابان اسرائیلی خواند.

این سخنان رئیس‌حکومتی است که بیش از ۷۰ درصد اقتصادش با اقتصاد آمریکا و سرمایه‌داران یهودی حامی اسرائیل گره خورده است.

قطعاً کینه‌ای که صهیونیست‌ها از او به دل گرفته‌اند به اقدام مسخره رژیم نتانیاهو مبنی بر برچسب زدن به رئیس‌جمهور برزیل به عنوان «عنصر نامطلوب» محدود نشده و به‌زودی شاهد ترور بی‌پرده‌تر لولا و اخلاص اقتصادی در کشورش خواهیم بود. او اما به خوبی درک کرده است که تاریخ نسل‌کشی غزه را نخواهد بخشید و در نهایت بشریت، جنایتکاران اسرائیلی را مورد قضاوت قرار خواهد داد.

لولا پیش از آن هم در سخنرانی معروفش در ابتدای سال ۲۰۲۴ میلادی در آدیس‌آبابا، پایتخت اتیوپی نقش خود را به عنوان سخنگوی توأمان ۱۰ کشور بریکس و اتحادیه آفریقا - با علم به اینکه برزیل آفریقایی‌ترین کشور خارج از قاره سیاه است - در قبال آرمان فلسطین ایفا کرده بود. نشان به آن نشان که اتیوپی، با همان سخنرانی درباره مشابهت هولوکاست و نسل‌کشی اسرائیل در غزه، به عضویت بلوک جدیدی درآمد که قرار است افق سیاسی مسکو، پکن و تهران را تا برازیلیا، ژوهانسبورگ، ریاض، ابوظبی، قاهره و آدیس‌آبابا توسعه دهد.

کمی بعد رئیس‌جمهور برزیل هوشمندانه پرونده غزه را روی میز نشست وزرای خارجه گروه ۲۰ در ریو گذاشت که به منزله خفه کردن تونی بلینکن، فرستاده بایدن بود. سخنرانی‌های وی و اغلب وزرای خارجه جی ۲۰ در حمایت از حقوق فلسطین و علیه همدستی آمریکا با رژیم صهیونیستی در نسل‌کشی اخیر، نه تنها اجماعی غیرغربی در مهم‌ترین گروه اقتصادهای برتر دنیا با حضور چین و روسیه به وجود آورد، بلکه جناح غربی را هم دچار شکاف کرد. برای مثال وزیر خارجه استرالیا را هم به سیلی زدن به بلینکن و زیر سوال بردن سیاست‌های کاخ سفید واداشت.

■ جبهه جهانی فدائیان فلسطین

مبارزه ملت یمن برای بخشی دیگر از امت ما در غزه، بحث همبستگی انسانی، اخلاقی و مذهبی است. اینها اصول اساسی قدرت‌های تمدنی شرقی در حال ظهور است، هم در داخل و هم در امور بین‌المللی. این همگرایی در اصول با برون‌زایی در حوزه‌های اخلاقی و معنوی، اکنون پیوندی مستقیم بین محور مقاومت در خاورمیانه و محور مقاومت اسلاوی در دونباس (شرق اوکراین) ایجاد کرده است. باید به زمان بندی توجه زیادی شود. نیروهای جمهوری خلق دونتسک و روسیه، ۲ سال جنگ سخت را در نوا راسیا گذرانده‌اند تا به مرحله‌ای برسند که بر اساس معادلات میدان جنگ و واقعیت‌های انباشته روی زمین، مشخص شود مذاکرات فقط به معنای ارائه شرایط تسلیم کی‌یف است. پیامی را که جبهه دونباس برای جبهه خاورمیانه ارسال کرده می‌تواند در یک ضرب‌المثل روسی که این روزها در سراسر محور مقاومت اسلاوها بر سر زبان‌ها افتاده خلاصه کرد: «آنها که از مذاکره با لاروف (وزیر خارجه روسیه) امتناع می‌ورزند، باید با شوپگو (وزیر دفاع روسیه) در میدان معامله کنند».

در مقایسه با آنچه در جبهه شرق اروپا در جریان است، کار محور مقاومت در غرب آسیا حتی شروع هم نشده است. شاید منصفانه باشد با توجه به ظرفیت‌های همچنان به کار گرفته نشده حزب‌الله لبنان و خود ایران، استدلال کنیم که قدرت و دخالت کامل حاکمیتی هنوز در این جبهه به کار گرفته نشده است. سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، با ظرافت خاص خود اشاره کرده که در واقع چیزی برای مذاکره درباره فلسطین وجود ندارد و اگر بازگشتی به هر مرزی وجود داشته باشد، این مرزهای ۱۹۴۸ فلسطین خواهد بود. محور مقاومت درک می‌کند که کل پروژه صهیونیستی غیرقانونی و غیراخلاقی است اما همچنان این سوال باقی است: چگونه می‌توان آن را در عمل به زیاده‌دان تاریخ انداخت؟

طبق خوش‌بینانه‌ترین سناریوی احتمالی پیش‌رو، آزادسازی الجلیل در شمال فلسطین اشغالی توسط حزب‌الله لبنان، گامی

